

سه شنبه 16 آذر 1395 - 6 ربیع الاول 1437 - 6 دسامبر 2016

کشتار دانشجویان معترض به حضور آمریکائیان در دانشگاه تهران...

**کشتار دانشجویان معترض به حضور آمریکائیان در دانشگاه تهران (1332 ش)**

بعد از کودتای 28 مرداد 1332، رژیم شاه که توانسته بود با کمک اربابان بر اریکه قدرت بازگردد، درصدد برآمد تا پایه‌های حکومت خود را تثبیت کند، اما غافل از این که مردم در اولین فرصت، خشم و انزجار خویش را نشان خواهند داد. سه ماه و نیم بعد، نیکسون، معاون رییس جمهور آمریکا، راهی ایران گردید تا نتیجه سرمایه گذاری 21 میلیون دلاری سازمان جاسوسی سیا را که در راه کودتا و سرنگونی دولت مصدق هزینه کرده بود، از نزدیک مشاهده کند. در اعتراض به این سفر، دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا برپا کردند که این اعتراضات در روز پانزدهم آذر، به خارج از دانشگاه کشیده شد. صبح روز 16 آذر 1332، گارد شاهنشاهی برای اولین بار وارد صحن دانشگاه شد تا فریاد مخالفان را در گلو خفه کند. به دنبال آن، تعدادی از مأموران نیروی ویژه گارد شاهنشاهی رژیم پهلوی، سه نفر از دانشجویان معترض به نام‌های: مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی را به شهادت رساندند. رژیم، در روز بعد بدون توجه به این جنایت خود، دکترای افتخاری حقوق را در این دانشگاه به نیکسون اعطا کرد. از آن تاریخ، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این روز به عنوان روز دانشجو نام گرفته است.

روز دانشجو از مهم‌ترین حرکات‌های سیاسی، اعتراض دانشجویان در 16 آذر 1332 به ورود معاون رییس جمهور آمریکا بود و نقطه اوج آن را می‌توان در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در 13 آبان 1358 مشاهده کرد. جنبش دانشجویی را می‌توان در سه مرحله چنین تبیین کرد. در مرحله اول، جنبش دانشجویی با جریان روشنفکری پیوند خورده و از این منبع برخاسته و به آن وابسته است. هرچند، حرکت دانشجویی در عین حال، به دلیل اقتضائات جوانی، دارای روحی پاک و به دور از خدعه‌ها و فریب‌های سیاسی‌کاران بود. در مرحله دوم و با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال 1356 و 57، جنبش روشنفکری و دانشجویی که خود را پیش‌تاز جنبش سیاسی می‌پنداشت، ناگهان خود را عقب مانده یافت. حرکت عظیم مردم در اعتراض علیه رژیم، خرده احزاب و گروه‌های سیاسی و نیز جریان روشنفکری و جنبش دانشجویی را به تعجب واداشت و آنان را به اعلان موضع فراخواند. در این شرایط و احوال، جریان روشنفکری، عمدتاً کلاف سردرگمی بود که چندان به عمق، گستره و ماندگاری قیام باور نداشت و به گونه‌های مختلف سعی می‌کرد که آن را حرکتی کور تعبیر کند. در مرحله سوم، اهمیت و حرمت حرکت سیاسی دانشجویی در آن بود که خود را از بند روشنفکری گسست و از همراهی با مردم، احساس شرم و آزر نکرد و پایه‌پای مردم پیش آمد و برای خود افتخاری عظیم در تاریخ سیاسی ایران کسب کرد.

تولد مولانا جلال الدین محمد معروف به مولوی (604 ق) جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد در بلخ به دنیا آمد. مقارن حمله ی مغولان، به آسیای صغیر واقع در ترکیه ی امروزی رفت و در قونیه ساکن شد. وی در نزد پدرانش خود تلمذ نمود و چندی نیز در شام کسب دانش کرد. در بازگشت به قونیه به تعلیم علوم دینی اشتغال یافت تا با عارفی واصل و بزرگ به نام شمس الدین محمد بن علی تبریزی در قونیه ملاقات کرد و از نفس گرم او چنان به تاب و تب افتاد که دیگر تا دم واپسین، سردی نیافت. او هیچ گاه از ارشاد سالکان و افاضه ی حقایق الهیه باز نایستاد. از این دوره ی پرشور که سی سال از پایان حیات مولوی را دربرمی‌گرفت، آثار بی‌نظیر ملای روم باقی مانده است. مثنوی عظیم معنوی در 26 هزار بیت، دیوان غزلیات شمس، رباعیات معروف او و مجالس سبعة و فیه ما فیه، از جمله آثار اوست.

آغاز حمله بزرگ ارتش شوروی برای نجات مسکو از محاصره قوای آلمان (1941م) با یورش سهم‌گین ارتش آلمان نازی به شوروی در 22 ژوئن 1941م، نیروهای آلمان تا نزدیک مسکو پایتخت شوروی به پیش رفتند، اما با فرا رسیدن زمستان سخت شوروی، عملیات تهاجمی نیروهای آلمان نیز متوقف شد. در دسامبر همان سال حملات متقابل ارتش سرخ شوروی در جبهه جنوب آغاز شد که در نتیجه آن برخی از نیروهای آلمان عقب‌نشینی کردند. در همین زمان بود که آمریکا با ارسال تجهیزات نظامی به شوروی، کمک فراوانی به سربازان روس در مقابله با آلمان نمود و پیروزی‌های شوروی را سرعت بخشید. عقب‌نشینی آلمان از شوروی، نخستین شکست آلمان در جنگ جهانی دوم بود که راه را برای شکست‌های بعدی نیز هموار ساخت.